بیانیه تحلیلی انجمن اسلامی دانشگاه خواجه‌نصیر

برگزاری رفراندوم نه در مورد مذاکره با رابطه با آمریکا که در مورد اصل نظام جمهوری اسلامی است

ادامه از صفحه اول

در جهان امروز که قدرتهای جهانی به منظور برقراری نظم نوین مورد نظرشان، تغییر ساخت سیاسی کشورهای دیگر را در دستور کار قرار داده‌اند، بدون شک حکومتهای غیر دموکراتیک با بی‌اعتنایی به خواست و مطالبات مردم و نقض آشکار حقوق بشر و در نتیجه از دست‌دادن پشتوانه ملی خویش، راه را برای تامین منافع قدرتهای جهانی هموارتر کرده و بهانه‌های کافی برای نیل به این مقصود را مهیا می‌سازند. کشور ما نیز ـ که به دلیل اعمال سیاست‌های نادرست حاکمیت از مدتها قبل قدم در راه ایجاد شرایط بحرانی گذاشته ـ در شرایط جدید منطقه تهدیدهای جدی‌تری را پیش روی می‌بینند.

در این گیرگاه حساس تاریخی بروز کوچکترین خطایی در عکس‌العمل حاکمیت در قبال این تهدیدها هزینه‌های هنگفت و جبران‌ناپذیری را به همراه خواهد داشت. نگاهی گذرا به موضع‌گیری‌های اخیر مسئولین حکومتی شروع چرخشی تدریجی در سیاستهای گذشته را نمایان می‌سازد. در شرایط فعلی زمزمه لزوم مذاکره با آمریکا و طرح پیشنهاد برگزاری همه‌پرسی در این مورد از مواردی است که تمامات جدی را بر می‌انگیزد. مقایسه این مواضع جدید با پیشینه نظری و ایدئولوژیک آنان این گمان را در ذهن تقویت می‌کند که این رویکردها نه از سر اعتقاد به همسویی با خواست ملت، بلکه در جهت تلاش برای بقا می‌باشد.

مروری بر گذشته نه چندان دور گواهی صادق بر این مدعاست. مدتهای مدیدی است که لزوم اصلاح ساختار تصمیم‌سازی در حوزه سیاست خارجی و بازنگری در نگاه ما به دنیای پیرامون و به تبع آن پذیرش واقعیات دنیای جدید فارغ از وارونه‌نمایی‌ها و توهمات ناشی از ایدئولوژیک‌اندیشی حاکم، نمایان شده بود مسلما هرگونه تحولی در رویکردها اگر مبتنی بر تغییر نگرش بازیگران عرصه دیپلماسی کشور باشد، امیدوارکننده خواهد بود ـ که اگر این امر مدتها قبل میسر می‌شد. شرایط برای مذاکره فعالانه‌تری با آمریکا وجود داشت ـ اما اگر دفعتا و در متن نگرشهای دگماندیشانه سابق و بدون فراهم‌آوردن مقدمات منطقی چنین تغییری ـ که مستلزم بازنگری در سیاستهای داخلی می‌باشد ـ و به یکباره پس از شدت‌گرفتن تهدیدات خارجی، تغییری دفعی در سیاست‌های ۲۵ ساله جمهوری اسلامی رخ دهد. مسلما نتیجه‌ای جز این را به ذهن متبادر نمی‌سازد که این چرخش منفعلانه صرفا جز دست و پازدن برای حفظ و بقا حاکمیت نیست و اینجاست که این سئوال جدی‌تر خود را نمایان می‌سازد که آیا بین منافع ملت با مصالح نظام تضادی وجود دارد؟

البته تردیدی نیست که این فرصتهای آخر را نمی‌توان و نباید از دست داد اما حاکمیت به جهت تقویت موقعیت چانه‌زنی و افزایش حوزه مانور خود برای کسب امتیاز بیشتر ناگزیر از بازسازی چهره درونی خود و ایجاد نوعی انعطاف در برابر خواست اکثریت برای اصلاحات ساختاری و بنیادین بوده است. چرا که هرچه سطح پتانسیل مطالبات پاسخ نیافته مردمی بالاتر باشد، موقعیت حکومت بر سر میز مذاکره از تزلزل بیشتری بر خوردار خواهد بود. در این میان هشدار می‌دهیم که مبادا هر کدام از دو طیف محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان درون حاکمیت، این فرصتهای آخر را در نزاع برای نشستن بر سر میز مذاکره و کسب سهم بیشتر و سنگین‌کردن کفه غنائم خویش از دست داده و ملت را دور بزنند و مصالح و منافع ملی را قربانی کنند.

در این میان طرح رفراندوم به عنوان تصمیم‌گیری در مورد مذاکره با آمریکا که البته تا کنون اجماعی را در سطوح بالای حاکمیت بر نیانگیخته ـ و از طرفی تجویز نسخه رفراندوم به منظور تحقق حاکمیت مردم عراق بر سرنوشت خویش به عنوان تنها راه نظام سیاسی آینده آن کشور، از آن لاابالی‌هایی است که اینها خواب به چشم کسی نمی‌آورد! مسلما اگر حاکمیت ملتها بر سرنوشت خویش قاعده باشد ما هم از این قاعده مستثنی نخواهیم بود.

در انتها با توجه به گذشت ۲۵ سال از عمر نظام جمهوری اسلامی و روشن‌شدن ماهیت ساختاری و ناکارآمدی نهادهای موجود در قانون اساسی در جهت ایجاد نظامی دموکراتیک ـ که موجب تشدید هر چه بیشتر تنش بازدارندگی نظام در مقابل خواسته اکثریت شده و همچنین تجربه عبرت‌انگیز ۹ اسفند اذعان می‌داریم که تنها راه برون‌رفت از بن‌بست موجود، برگزاری رفراندوم نه در مورد مذاکره با رابطه با آمریکا که در مورد اصل نظام جمهوری اسلامی است.

در سومین سالگرد بازداشت گنجی:

بیانیه سازمان گزارشگران بدون مرز در باره گنجی

ادامه از صفحه اول

در این بیانیه که به مناسبت فرارسیدن سومین سالگرد بازداشت اکبرگنجی روزنامه‌نگار ایرانی، صادر شده، آمده است: سه سال است که اکبر گنجی به جرم انجام وظیفه روزنامه‌نگاری در زندان به سر می‌برد و همانند احمد زیدآبادی نیز که اخیرا دوباره به زندان افتاده، هزینه انتقادهای خود از حکومت را می‌پردازد و این برای همه مدافعان حقوق بشر غیر قابل تحمل است.

در بخشی از این بیانیه به گزارش وضعیت گنجی طی سه سال گذشته پرداخته شده و آمده است: اکبر گنجی از نویسندگان روزنامه صبح امروز در ۲ اردیبهشت ۱۳۷۹ پس از احضار به دادگاه ۱۴۱۰ معروف به دادگاه مطبوعات دستگیر گردید. دلیل عمده بازداشت و محاکمه وی روشنگری‌هایش در باره قتل روشنفکران و مخالفان معروف به قتل‌های زنجیره‌ای در سال ۱۳۷۷ بود. در دی ماه ۱۳۷۹ طی حکمی به ده سال زندان و پنج سال تبعید محکوم گردید، در اردیبهشت ۱۳۸۰ دادگاه تجدید نظر حکم را به شش ماه کاهش داد ولی در ۲۴ تیر ماه، دیوان عالی کشور بلافاصله رای دادگاه تجدیدنظر را مردود اعلام و گنجی را به شش سال زندان محکوم نمود.

طی نامه‌ای همسر اکبر گنجی اعلام نموده که از هفتاد روز پیش گنجی در سلول انفرادی است و در حالی که از ناراحتی کمر و زانو رنج می‌برد، مسئولان قوه قضائیه وی را از امکان معالجه در بیمارستانی خارج از زندان محروم کرده‌اند.

در این بیانیه همچنین به زندانی‌شدن زیدآبادی، تایید حکم ۴ سال و نیم زندان برای عباس عبدی و حسین قاضیان و نیز بازداشت خودسرانه علیرضا جباری و سینامطلبی اشاره شده است.

گزارشگران بدون مرز با اعتراض به این اقدامات، خواستار آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی و مطبوعاتی در ایران شده است.

نامه جمعی از وبلاگ‌نویسان و کاربران اینترنت به خاتمی

خواستار آزادی سریع سینا مطلبی هستیم

ما نمی‌خواهیم کسانی که با خواسته‌ها و اندیشه‌های جوانان امروز بیگانه‌اند، برای ما تصمیم بگیرند

آقای رئیس جمهور، کم‌کاری‌های دولت شما و دشواری‌های ارتباط با دنیای بیرون برای ما کافی است، و دیگر نمی‌توانیم اعمال محدودیت در صفحات شخصی خود را هم بپذیریم.

جناب آقای خاتمی، ریاست محترم جمهوری

با سلام و احترام

جوانان ایرانی که در جامعه خود از بسیاری از آزادی‌های اساسی و حقوق پایه‌ای بی‌بهره‌اند، رفته‌رفته از همین اندک امکانات موجود هم محروم می‌شوند. گویا عزمی در کار است که برغم شرایط بحرانی منطقه، حصار کنترل و ممانعت را به حوزه‌های خصوصی و نیمه خصوصی افراد هم تسری دهند و از حق مسلم دسترسی شهروندان به جهان آزاد اطلاعات جلوگیری کند. در این میان حرفهایی هست که باید گفته شود پیش از آنکه دیر شود، و شما تنها مخاطب رسمی هستید که شاید هنوز بتوان با او سخن گفت. چند روز پیش، سینا مطلبی نویسنده وبلاگ و بگرد بازداشت شد. پیش از این هم خبرهای نگران‌کننده‌ای در رابطه با کنترل و اعمال محدودیت در دسترسی کاربران به اینترنت به گوش می‌رسید. وبلاگ‌نویسان شدیدا نگران برخوردهای نسنجیده و بی‌ضابطه با مسائل این حوزه هستند، و شما را، به عنوان مجری قانون اساسی و آخرین امید داخلی، مسئول تامین آزادی‌ها و رفع محدودیت‌ها می‌دانند.

آقای خاتمی!

این حق نسل نو است که نخواهد محدود باشد. این حق هر فرد امروزین است که افکار جزمی دیروز را تبذیرد و به رفتارهای گرد و خاک گرفته تمکین نکند. این حق ماست که نخواهیم سلیقه و نگرش برخی نهادهای غیرانتخابی محدودمان کنند. ما نمی‌خواهیم کسانی که با خواسته‌ها و اندیشه‌های جوانان امروز بیگانه‌اند، برای ما تصمیم بگیرند.

آیا این مایه تاسف نیست که در حالی که کشورهای دیگر بر سر میزان بهره شهروندان از جهان ارتباطات رقابت می‌کنند، در کشور ما باید جوانان بر سر بدیهی‌ترین حقوق خود با نهادهای غیرمسئول چانه‌زنی کنند؟ جوانان نه کی باید آزادی‌های خود را از دست بدهند، و تا کجا باید تاوان جزمیت‌های گذشته را بپردازند؟ کجاست عقلانیتی که باعث شود، دست‌کم در شرایط پرآشوب منطقه‌ای و وضعیت نا‌آرام سیاسی، اشتباهات قبلی تکرار نشود؟

آقای رئیس جمهور!

کم‌کاری‌های دولت شما و دشواری‌های ارتباط با دنیای بیرون برای ما کافی است، و دیگر نمی‌توانیم اعمال محدودیت در صفحات شخصی خود را هم بپذیریم. ما نمی‌خواهیم به دنیای آزاد اطلاعات و ارتباطات متصل باشیم و از مزایای آن بهره ببریم، بدون اینکه سلیقه کسی بخواهد از ماجلوگیری کند یا یک ایدئولوژی بخواهد بر ما نظارت کند. ما معتقد به آزادی بیان و قلم هستیم و از این حق خود در فضای مجازی تخواهیم گذشت.

در حالی که دولت و سازمان‌های رسمی در سالهای گذشته با وجود امکانات گسترده نتوانستهاند زمینه حضور شایسته فرهنگ ایرانی را در چرخه گسترده فرهنگ جهانی فراهم کنند، وبلاگ‌نویسان ایرانی در همین اندک مدت فعالیت خود، در عین مشکلات بسیار و امکانات کم، توانستهاند به حضور ایرانیان و فرهنگ ایرانی در فضای مجازی رنگی تازه و حال و هوایی دیگر ببخشند. ما انتظار داریم سازمان‌های مسئول، چنین حضور شایسته‌ای را به رسمیت بشناسند و مورد قدردانی قرار دهند. اما برعکس، می‌شنویم که یکی از بهترین وبلاگ‌نویسان، مجبور به ارائه یک نسخه از تمام مطالب خود می‌شود تا موارد اتهامی و بهانه بازداشت او فراهم گردد!

آقای خاتمی!

سینا دوست ماست، و قبل از آن یک شهروند جامعه جهانی است. آزادی در عرضه و استفاده از اطلاعات نیز حقی پذیرفته شده و جهانی است. او و هیچکس دیگری نباید به بهانه افکار و نوشته‌های خود بازداشت یا بازجویی شود. هرگونه بررسی احتمالی محتوای وبلاگ‌ها، باید توسط افراد آشنا و پاسخگو و برمبنای قوانین و ضوابط دموکراتیک باشد، و دستمایه سلب آزادی‌ها و بسط موانع قرار نگیرد.

ما نویسندگان وبلاگ‌های فارسی و کاربران ایرانی اینترنت ضمن محکوم کردن بازداشت سینا مطلبی نویسنده وبلاگ بگرد، خواستار آزادی سریع او هستیم، و از شما به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی می‌خواهیم طبق سوگندی که خورده‌اید از آزادی‌های جوانان ایرانی، خصوصا کاربران اینترنت، حمایت کنید.

دیگر نمی‌توانیم اعمال محدودیت در صفحات شخصی خود را هم بپذیریم. ما می‌خواهیم به دنیای آزاد اطلاعات و ارتباطات متصل باشیم و از مزایای آن بهره ببریم، بدون اینکه سلیقه کسی بخواهد از ماجلوگیری کند یا یک ایدئولوژی بخواهد بر ما نظارت کند. ما معتقد به آزادی بیان و قلم هستیم و از این حق خود در فضای مجازی تخواهیم گذشت.

در حالی که دولت و سازمان‌های رسمی در سالهای گذشته با وجود امکانات گسترده نتوانستهاند زمینه حضور شایسته فرهنگ ایرانی را در چرخه گسترده فرهنگ جهانی فراهم کنند، وبلاگ‌نویسان ایرانی در همین اندک مدت فعالیت خود، در عین مشکلات بسیار و امکانات کم، توانستهاند به حضور ایرانیان و فرهنگ ایرانی در فضای مجازی رنگی تازه و حال و هوایی دیگر ببخشند. ما انتظار داریم سازمان‌های مسئول، چنین حضور شایسته‌ای را به رسمیت بشناسند و مورد قدردانی قرار دهند. اما برعکس، می‌شنویم که یکی از بهترین وبلاگ‌نویسان، مجبور به ارائه یک نسخه از تمام مطالب خود می‌شود تا موارد اتهامی و بهانه بازداشت او فراهم گردد!

آقای خاتمی!

سینا دوست ماست، و قبل از آن یک شهروند جامعه جهانی است. آزادی در عرضه و استفاده از اطلاعات نیز حقی پذیرفته شده و جهانی است. او و هیچکس دیگری نباید به بهانه افکار و نوشته‌های خود بازداشت یا بازجویی شود. هرگونه بررسی احتمالی محتوای وبلاگ‌ها، باید توسط افراد آشنا و پاسخگو و برمبنای قوانین و ضوابط دموکراتیک باشد، و دستمایه سلب آزادی‌ها و بسط موانع قرار نگیرد.

ما نویسندگان وبلاگ‌های فارسی و کاربران ایرانی اینترنت ضمن محکوم کردن بازداشت سینا مطلبی نویسنده وبلاگ بگرد، خواستار آزادی سریع او هستیم، و از شما به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی می‌خواهیم طبق سوگندی که خورده‌اید از آزادی‌های جوانان ایرانی، خصوصا کاربران اینترنت، حمایت کنید.

بنگاه خبرپراکنی سازمان ملل متحد درتهران تعطیل می‌شود

با اعتراض وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به فعالیت بنگاه خبرپراکنی سازمان ملل متحد این بنگاه خبری که تامین‌کننده اخبار و گزارش‌های مختلف برای کلیه بخش‌های سازمان ملل است، باید هرچه سریعتر دفتر خود را در تهران تعطیل کند.

وزارت اطلاعات فعالیت‌های این آژانس خبری را در راستای دخالت در امور مربوط به امنیت ملی کشور اعلام کرده است. این بنگاه‌که یک شرکت طرف قرارداد با سازمان ملل است و گزارش‌هایش را فقط به دفتر این سازمان در نیویورک ارسال می‌کند، با استفاده از کارکنان بومی در ۴۷ کشور جهان دفتر نمایندگی دارد و از حدود یکسال قبل فعالیت مستقلی را در ایران آغاز کرده است. این آژانس با ارسال روزانه اخبار و گزارش‌ها در طیف گسترده سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از کشورهایی که در آنها نمایندگی دارد مواد لازم برای بولتن‌های سازمان ملل را تامین می‌کند. این بولتن‌ها می‌توانند در اعزام نیروهای متخصص سازمان ملل در زمینه‌های مختلف مورد استفاده این سازمان قرار گیرد. نظیر آنچه چندماه قبل با اعزام تیم بازرسان حقوق بشر به تهران روی داد.

بنابراین گزارش با وجود اینکه چند روز از ارسال نامه وزارت اطلاعات به دفتر این آژانس می‌گذرد مسئولان آن هنوز هیچ تصمیم قطعی نگرفته‌اند ولی یقین دارند که بزودی باید فعالیت رسمی دفترشان را در تهران تعطیل کنند.

اعلامیه گروهی از ملیون ایران در مورد احضار عباس امیرانتظام به زندان

عباس امیر انتظام پرسابقه‌ترین زندانی جمهوری اسلامی که به علت کسالت شدید، بیماری قند و بیماری‌های پوستی و همچنین جهت انجام معالجات حاد و ضروری با تایید پزشک قانونی و سایر مراجع دادستانی و زندانهای جمهوری اسلامی می‌بایستی در خارج از زندان به معالجه ادامه دهد، برای روز پنج شنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۸۲ بار دیگر به زندان احضار گردیده است.

امیرانتظام از آغاز موجودیت این رژیم یعنی به مدت ۲۴ سال در زندان بوده است بدون اینکه جمهوری اسلامی جرمی برای وی عنوان کرده باشد. او طرفدار مبارزه از راه سیاسی و دور از خشونت برای نظامی دموکراتیک و متکی به حاکمیت ملی به جای رژیم کنونی است.

امیر انتظام در سال ۱۹۹۸ از طرف بنیاد حقوق بشر برونو کرایسکی به عنوان شخصیت برجسته سال شناخته شد. او در سال قبل از آن پیشنهاد همه‌پرسی برای تغییر نظام را ارائه داده بود. اعضار امیرانتظام به زندان را می‌توان مربوط به پیانیه‌های اخیر او دانست.

وی در این بیانیه‌ها بار دیگر به شرح تلاش خود پرداخته و انجام یک همه‌پرسی با سئوالات زیر «آیا با استمرار نظام جمهوری اسلامی موافق هستید؟» و «آیا با استقرار یک نظام مردم‌سالار موافق هستید؟» زیر نظر سازمان ملل متحد را پیشنهاد کرده است.

این امر بخوبی نشان می‌دهد که تبهکاران حاکم بر کشور ما تا چه اندازه از روشن‌شدن خواست مردم در باره نوع نظام از راه همه‌پرسی در وحشت‌اند. امیر انتظام بدینوسیله یک راه حل مسلمی برای خروج کشور از بن‌بست سیاسی کنونی ارائه می‌دهد و به درستی بر ضرورت رفراندم بعنوان حق مسلم مردم ایران برای استقرار حاکمیت خویش تاکید دارد.

موضع گیریهای امیرانتظام انعکاس وسیعی در سطح کشور داشته است. رژیم جمهوری اسلامی در عرض اینکه از این زندگانی خطرکه از طرف عناصر ملی و طرفداران دموکراسی بصدا در آمده بعنوان امکانی برای نجات کشور از بن‌بست سیاسی کنونی و رهائی از خطرات جدیدی که جامعه ایرانی بآن روبرو است. استفاده کند. بار دیگر به ابزار زندان و سرکوب متوسل شده است.

بدین ترتیب سران رژیم جمهوری اسلامی بدون توجه به شرایط کنونی منطقه و خواست عمومی مردم دایر بر تغییر شرایط موجود عمل کرده بجای تن‌دادن به این پیشنهادات منطقی و مسالمت‌آمیز مجددا به حربه کهنه سرکوب و زندان متوسل شده چشم خود را بر واقعیات بسته است. اکنون سزاوار است که هموطنان عزیز، دانشجویان مبارز، سازمانها و ارگانهای سیاسی، ارگانها و شخصیتهای آزادیخواه کشور با تمام قوا در همه سطوح و با استفاده از همه‌گونه امکانات به مبارزه سیاسی و مقاومت منفی به دور از خشونت به دفاع گسترده از پیشنهادات عباس امیرانتظام برای برگزاری رفراندم پرداخته، آزادی او و سایر زندانیان سیاسی را خواسته، از ایثراه برای استقرار حق حاکمیت ملی و نجات کشور از شرایط کنونی و خطرات آتی که در انتظار کشور است اقدام کنند.

گروهی از ملیون ایران

۳ اردیبهشت ۱۳۸۲ برابر ۲۳ آوریل ۲۰۰۳

کسری بی‌سابقه موازنه تجاری ایران و اتحادیه اروپا

برپایه گزارشهای مرکز آمار اتحادیه اروپا «یورو استات» صادرات اتحادیه اروپا به ایران در سال ۲۰۰۲ با یک میلیارد یورو افزایش نسبت به سال قبل از آن به هشت میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار رسید. تقریباً ۷۰٪ صادرات اتحادیه اروپا انحصاراً از سوی کشورهای آلمان، ایتالیا و فرانسه صورت گرفت.

طبق همین گزارش میزان صادرات ایران به اتحادیه اروپا یک میلیارد یورو کاهش یافت و به ۵/۶ میلیارد یورو رسید. به این ترتیب میزان کسر موازنه تجاری ایران و اتحادیه اروپا به ۲/۴ میلیارد یورو بالغ شده که نسبت به سال‌های گذشته بی‌سابقه بوده است. لازم به ذکر است که کاهش صادرات ایران به اتحادیه اروپا بیشتر ناشی از کاهش ۸۰۰ میلیون یورویی در صادرات نفت خام بوده است. صادرات غیر نفتی ایران نیز در سال گذشته کاهش یافت. مجموع این صادرات به ۸۹۵ میلیون یورو رسید که ۱۰۰ میلیون یورو نسبت به سال قبل از آن کاهش دارد. از مجموع حجم صادرات غیر نفتی ایران به این اتحادیه ۶۵۰ میلیون یورو (۷۵٪) به سه کشور آلمان، ایتالیا و اسپانیا بوده است.

در میان اعضای اتحادیه اروپا مبادلات تجاری آلمان و ایران با ۲/۲ میلیارد یور ۱۶٪ افزایش نشان می‌دهد و رشد صادرات ایتالیا در مقایسه با سال قبل از آن با ۱/۸ میلیارد یورو ۵۰٪ افزایش داشته است. فرانسه نیز ۱/۲ میلیارد یورو به ایران صادرات داشته است که نسبت به سال قبل ۳۰٪ افزایش نشان می‌دهد.

این درحالی است که صادرات انگلیس به ایران مجدداً در سال ۲۰۰۲ با کاهش مواجه شد و مجموع وادرات ایران از انگلیس به ۶۳۳ میلیون یورو رسید. لازم به یادآوری است که انگلیس در سال ۲۰۰۰ به دلیل فروش مستقیم طلا به ایران در آن سال بطور استثنایی ۱/۱ میلیارد یورو به ایران صادرات داشت.

عدم وجود سلاحهای نابودی جمعی در عراق

واشنگتن: به گفته آری فلایشر سخنگوی کاخ سفید، به اعتقاد دولت آمریکا در عراق سلاح‌های کشتار جمعی وجود ندارد زیرا رهبری سابق این کشور آنها را از بین برده است. به گفته فلایشر احتمال دارد که صدام حسین از بیم یافته‌شدن این سلاحها دستور انهدام آنها را داده باشد. این در حالی است که رهبران آمریکا دلیل تعیین‌کننده جنگ در عراق را وجود این سلاحها و تهدید ناشی از آنها برای امنیت آمریکا عنوان می‌کردند. تا کنون نیز طی تجسس‌ها در عراق سلاحی از این دست کشف نشده است.